

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال

سید علیرضا هاشمی^۱

چکیده

آداب و رسوم اجتماعی و باورهای فرهنگی درخصوص مرگ، از دیرباز توجه بسیاری از انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. شناخت مرگ و مناسک آن به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، مبنای شناخت برخی از فرایندهای عمیق و بنیادین در جوامع مختلف از جمله ایران بوده است. مطالعات انسان‌شناختی نشان می‌دهد که در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، اشکال متفاوتی از درک فرهنگی مفهوم مرگ وجود دارد که همراه با رسوم مبتنی بر اعتقادات و دستورات دین و مذهب رایج، متأثر از باورهای بازمانده از ادیان و مذاهب پیشین است. یکی از اجتماعی‌ترین جنبه‌های مرگ، آیین‌های مرتبط با آن است که از هنگام مرگ شخص آغاز می‌شود و با غسل و کفن و کندن قبر و قرار دادن میت در قبر ادامه می‌یابد و سپس با مراسم ترحیم، آداب و سنن بعد از خاکسپاری پی گرفته می‌شود. در این نوشتار با روش اسنادی - کتابخانه‌ای به یکی از آیین‌های شاخص مرگ که مربوط به مراحل تدفین بوده و از آن به عنوان مراسم غسل و تطهیر یاد می‌شود، پرداخته شده و به تغییرات فرهنگی آن در طی زمان به‌خصوص در فرهنگ شهری و کلانشهر تهران اشاره گردیده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد با آنکه مرگ در جامعه ایرانی معنای فرهنگ‌عامه‌ای دارد، در چشم‌انداز امروزی خود تعریفی پزشکی یافته است. همچنین اعمال مربوط به تدفین که در گذشته در یک نظام ساده و از سوی افراد خانواده اداره می‌شد، تحت تأثیر مدرنیته شهری در ساختاری نهادی و اداری نظام یافته است.

کلید واژه‌ها: آیین‌های مرگ، مناسک، مراسم غسل، تطهیر، میت

۱. دانش‌آموخته (دکترای) فولکلور، پژوهشگر فرهنگ‌عامه (نویسنده مسئول). رایانامه: 400hashemi@gmail.com

۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

آیین‌های مرتبط با مرگ پیوند مستحکم و ناگسستنی با فرهنگ هر جامعه دارد و بسته به نوع باورها، دین و مذهب دستخوش تغییراتی می‌شوند. مطالعات حاکی از آن است که این آیین‌ها با شباهتی شگرف در سراسر جهان انجام می‌شود. به‌طوری که در زمان وقوع مرگ، در پی فقدان و از دست دادن یک فرد از یک نظام خانوادگی، نوعی آشفتگی میان بازماندگان به وجود می‌آید که این بازماندگان با انجام آیین‌ها و مناسک برگرفته از دین سعی می‌کنند پدیده مرگ و زشتی آن را به امری مقدس تبدیل کنند.

در زمان وقوع مرگ، به مجرد اینکه فوت واقع شد، بدن شستشو، تدهین، و تزئین می‌شود، این بدین معنی است که در تمام مذاهب، بزرگ‌ترین و آخرین بحران زندگی یعنی مرگ دارای بیشترین اهمیت است. با نزدیک شدن مرگ، نزدیک‌ترین خویشان و گاه همه اعضا، اطراف محضر حلقه می‌زنند و مرگ، عادی‌ترین کنشی که برای یک انسان اتفاق می‌افتد، به واقعه‌ای انکارناپذیر تبدیل می‌شود. در اینجا خویشان سببی و نسبی، دوستان و آشنایان به یکباره وارد معرکه می‌شوند: برخی در نزدیکی جسد نظاره‌گرند و برخی به دنبال تدارک پایانی قریب‌الوقوع و حوادث پس از آن. دیگرانی هم احتمالاً در حال انجام و تدارک برخی اعمال مذهبی در لحظه‌ای مقدس هستند.

فرهنگ ایرانی نیز در مواجهه با این پدیده مستثنی نبوده است. این منطقه جغرافیایی در گذر تاریخ با دین‌ها، باورها، اندیشه‌ها و مناسک متفاوتی همراه شده است و از چندین قرن پیش تاکنون، نظامی رو به رشد به نام ایرانی - اسلامی تشکیل داده است که ماحصل آن در دوران معاصر با تکیه بر نظام اسلامی شیعی در بخش‌هایی از فرهنگ ایرانی، بویژه فرهنگ مرگ، رخنه کرده است.

در این نوشتار تلاش شده است کنش‌های جامعه در برابر مقوله مرگ و پیچیدگی نظام فرهنگی آن توصیف شود و به طور خاص، چگونگی آیین‌های مربوط به انجام مناسک غسل (تطهیر) در فرهنگ مردم و تغییراتی که در حال رخ دادن است، تبیین گردد. ضمن آنکه باید در نظر داشت، در این‌گونه پژوهش‌ها، برای دستیابی به کنش‌ها و همچنین فهم مناسک و آیین‌های شکل‌گیرنده در حول جسد و تغسیل بدن، نیازمند یک مطالعه میدانی منسجم هستیم.

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۴۳

مواجهه با مرگ

باختین^۱ (۱۹۸۴) فیلسوف روسی در کتاب *رابله و دنیای او*، مرگ را نه چیزی جدای از زندگی، که بخشی از آن می‌داند. در حقیقت مرگ موضوعی است که هر فرد در زندگی روزمره خود دیر یا زود با آن مواجه خواهد شد (انسان، ۱۳۹۰: ۱۶). از این رو پدیده مرگ، در تمامی فرهنگ‌ها اعم از ابتدایی و پیشرفته، رویدادی بااهمیت تلقی می‌شود.

از ثانیه‌های ابتدایی وقوع مرگ، آیین‌ها به صورت ناخودآگاه، بدیهی و با همراهی بازماندگان شروع به شکل گرفتن می‌کنند. مرگ در بالین و به عبارتی در منزل متوفی با حضور بازماندگان، حلقه زدن در اطراف بدنی که اکنون جسد نامیده می‌شود و شیون در فراق از دست دادن فردی که دیگر حضور جسمانی ندارد، آغاز می‌شود.

از این مرحله مرگ برای کسی که فوت کرده است، دیگر یک معما نیست و این زنده‌ها هستند که برای فهم معنای آن می‌کوشند و با برگزاری آیین‌هایی، مراحل گذار را تسهیل می‌کنند. مراسم خاکسپاری که در هر فرهنگ با آیین‌هایی ویژه و متفاوت همراه است، جزئی از مناسک گذار محسوب می‌شود که به نوعی، رسیدن و پیوستن مردگان به جمع نیاکان را تبیین می‌کند.

در مواجهه با مرگ مردم با آیین خاکسپاری به مشارکت و همراهی با خانواده متوفی می‌پردازند و این مشارکت نوعی غلبه اندوه بر مرگ را نشان می‌دهد. در عین حال آیین خاکسپاری، با تمرکز بر مفهوم و ایده پاک، تطهیر و غسل این پیام را می‌دهد که انسان‌ها پاک می‌آیند و باید پاک و بدون هرگونه آرایش از این دنیا به دنیای جاودانگی سفر کنند.

اصطلاح غسل

در اصطلاح فقهی غسل در مجمع‌البحرین چنین آمده است: «شستن تمام بدن، به قصد قربت و اطاعت از فرمان الهی» (طریحی، ۱۳۷۵، ماده غسل). یا شستن همه تن در مواردی واجب و مستحب طبق دستور با نیت (نحوی، ۱۳۶۸: ۲۹۷). در فرهنگنامه‌ها

1. Mikhail Bakhtin

۴۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اصطلاح غسل با این توضیح آمده است: شستن همه تن، بدانسان که در شرع آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۲/۲۷) و یا شست و شوی تمام بدن (نفیسی، ۱۳۴۳: ۲۴۷۰)، همچنین با لفظ غسل دادن بر میت اطلاق کنند (آندراج، ۱۳۳۶: ۸۹۵/۲؛ چندبهار، ۱۳۷۹: ۱۵۵۲/۳۱).

در کتاب آسمانی قرآن، در آیات ۶ سوره مائده و ۴۳ سوره نساء به موضوع غسل پرداخته شده است و بیش از ۲۴۰۰ حدیث نیز در این موضوع وجود دارد (شیعه، پایگاه اطلاع رسانی، مدخل غسل). در حکم اسلام، غسل های واجب (نک: العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی الاغسال) عبارت اند از: غسل جنابت، حیض، نفاس، استحاضه، مس میت (نک: سیستانی ۱۳۴۱: ۱۱۶-۱۱۵)، غسل میت (نک: محقق حلی، ۱/۲۵) و غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند آن واجب می شود (بحرانی، ۱۳۶۴: ۱۸۲/۴؛ همدانی، ۱۳۷۶: ۲۱۹/۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۳۷: ۴۶۶/۱).

از دیدگاه مشهور فقها همه غسل های واجب، واجب گیری اند، بدین معنا که انجام دادن آنها به خودی خود واجب نیست؛ بلکه برای به جا آوردن عملی که مشروط به طهارت است، مانند نمازهای واجب روزانه، واجب می شوند (طباطبایی حکیم، ۱۳۷۴: ۶۸/۳، ۷۲ و ۳۴۱). تعداد غسل های مستحبی فراوان اند (نک: توضیح المسائل مراجع، م ۶۴۴ و العروه الوثقی، الاغسال المندوبه) و شمار آنها بنا بر مشهور ۲۸ غسل است (نک: محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴۴/۱) هر چند تا صد غسل نیز نوشته اند. مهم ترین غسل های مستحبی نیز عبارت اند از: غسل جمعه (نک: مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۱۷)، غسل زیارت، غسل شب های ماه رمضان، غسل روزهای عید فطر، عید قربان و عید غدیر... (همو، ۱۱۹، ۱۱۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۳۷: ۱۴۲/۲). بر این مبنا، در رساله فقها در بخش مربوط به احکام اموات به تفصیل در خصوص شرایط غسل میت، شرایط غسل دهنده و کیفیت غسل میت و احکام مربوط به آن سخن گفته شده است (نک: توضیح المسائل علما، احکام اموات).

غسل به مثابه یکی از مناسک دینی

شواهد تاریخی نشان می دهد، پاکیزگی و اهمیت به نظافت همواره مورد توجه مردم ایران زمین بوده است. چنانکه پیش از زرتشت مهرپرستان برای انجام مناسک دینی

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۴۵

خود باید غسل می‌کردند (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۲: ۱۴۹) و ایرانی‌هایی که میترا را خدای خود می‌دانستند، مانند مسیحی‌ها به وسیله غسل تعمید، خود را تطهیر می‌نمودند (افندی‌بایزیدی، ۱۳۶۹: ۲۳۲). همچنین در عهد کیخسرو در تیرماه به مناسبت دو ایزد عمده آب یعنی تیر و ناهید جشن برپا می‌داشتند و در این روز غسل می‌کردند. (بیرونی، ۱۳۸۹: ۲۸۸؛ نک: نژاداکبری، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹)

از سویی حمام و استحمام خصوصی که در سطح طبقات بالا از پیش از اسلام در ایران رایج بوده، با ایدئولوژی «پاک‌گرایی»^۱ دین زرتشت هماهنگ است؛ هرچند رابطه‌ای متناقض نیز ایجاد می‌کرد، زیرا «آب» نباید آلوده می‌شد. از این رو ظاهراً نمی‌توان موقعیت حمام‌های ایران باستان را با تمدن‌های هم‌دوره با آن در یونان و سپس رم مقایسه کرد. آنچه مسلم است اینکه این رابطه با ورود اسلام به ایران و تغییر رابطه با آب به مثابه ابزاری برای «نظافت» یا «پاکی» بدن که خود با «جاری‌شدن»، می‌توانسته هم پاک کند و هم پاک بماند، تغییر کرد؛ زیرا در بسیاری موارد همچون غسل‌ها، استحمام به امری واجب بدل می‌شد. (فکوهی، ۱۳۹۱: ۲۰)

شستشوی بدن از نظر دینی، قومی، اعتقادی و بهداشتی، دارای مراحل است و در بسیاری از کتاب‌های فقهی و تربیتی ادیان آمده است. از این رو یکی از دلایل تقدس آب فضیلت تزکیه‌کنندگی آن است که به تقریب در همه جا، آب وسیله طهارت آیینی است (مدبری و خدایاری، ۱۳۸۷: ۲۱۱). مثلاً در آیین بودا غسل کردن ۶ قرن قبل از میلاد مسیح در هند رواج یافت (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۲۲). در کیش زرتشت نیز به چگونگی آیین تطهیر همچون بوژداتره، برشنوم (نک: اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۲-۱۶۳؛ ونیدداد، فرگرد نهم، ۶۲۵-۶۲۹) و سه‌شور اشاره شده است (همانجا، فرگرد هشتم، ۴۵۶ تا ۴۵۹) و در کتب مختلف مراحل آن آمده است. (نک: گیمن، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۷)

در آیین یهود طهارت به معنای پاکی و به عنوان عملی شرعی مطرح است که برای اوقات مختلف وارد شده و با پاشیدن آب و شست‌وشو یا غسل تحقق پیدا می‌کند. و برخی از ناپاکی‌های مهم خیز که جنبه باطنی دارند، با قربانی کردن قابل طهارت هستند

۴۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(هاکس، ۱۳۷۷: ۵۸۳). همچنین که در زمان ادای فرایض برخی شستشوها لازم است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۲۳). در این دین آیین‌های تطهیر، قوانین رفتاری‌ای هستند که به‌طور دقیق رعایت می‌شوند (Cook, 10/490)، به نقل از مشهدی نوش‌آبادی و رجبی گوندره (۱۳۹۲: ۷۰) و پاکی و نظافت بعد از تقوا و پرهیزگاری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. (اپستاین، ۱۳۵۸: ۱۹۴)

در مسیحیت، آب نخستین چیزی است که دارای حیات و آگاهی است و «تمام آب‌ها بر حسب امتیاز خود، بعد از نیایش خدا، قدرت وابسته به مراسم مذهبی تطهیر را به دست می‌آورند» (الیاده، ۱۳۷۵: ۹۹)؛ بنابراین، غوطه‌زدن و فرورفتن در آب رمز مرجعیت پیشین و تجدید حیات و زایش نو شمرده شده است. به‌همین دلیل است که تشریف به آیین مسیحیت با غسل تعمید - که نوعی رجعت شمرده می‌شود - صورت می‌گیرد. (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۳۳)

تعمید همچنین اصلی‌ترین منسک منداییان است که در زبان مندایی به آن مصوتا یا مصبتا می‌گویند. تعمید از سوی روحانی مندایی انجام می‌شود و گونه‌ای غسل برای طهارت است که تنها شامل انسان نمی‌شود، بلکه ظروف و گاهی اوقات زیورآلات طلا را نیز دربرمی‌گیرد. مناسک دینی این قوم اغلب با غسل تعمید در آب جاری همراه است (عربستانی، ۱۳۸۳: ۱؛ قرشی، ۱۳۸۰: ۲۳۰) و اجرای تعمید همراه با لوازم و مراسمی است. (نک: ذاکری، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۵۴)

در میان ایزدیان نیز یکی از واجبات والدین نوزاد متولد شده، غسل تعمید و شستشو در آب عین‌البیضاء - چشمه مقدس ایزدیان - است که باید در روز هفتم ولادت انجام گیرد (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۶۴ و ۱۱۹-۱۲۰). در مراسم غسل تعمید یزیدی‌های کردن ترکیه نیز که از میترایی‌ها گرفته شده، یزیدی‌ها بچه‌های خود را سه بار در آب کانی‌سپی کاملاً فرو می‌کنند تا بچه را غسل دهند و اگر در این سن، بدن بچه آمادگی غسل را نداشته باشد، در سنین دیگر این مراسم انجام می‌پذیرد. در زمان مرگ هم پیرها که همان مرشد و رهبر و مراد هستند، در مراسم غسل و کفن و دفن مرده‌ها شرکت دارند. (سنندجی، ۱۳۶۶: ۵۰-۵۱)

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۴۷

به گواه تاریخ، مانی هم از ۴ سالگی در محیطی که غسل تعمید می‌دادند و دارای عقاید گنوسی بودند، پرورش یافته است (ناطق، ۱۳۵۷: ۳۸؛ کریستین سن، ۲۰۶-۲۰۷). در کتاب *مانی و سنت مانوی* به فرقه مغتسله می‌پردازد که پدر مانی از پیروان آن به‌شمار می‌رفت و مانی را از اوان کودکی وارد این فرقه کرده بود. این فرقه یهودی - مسیحی است و مانی نخستین دانسته‌های خود را از این فرقه به دست آورده است (دکوه، ۱۳۸۰: ۵۳). رودخانه گنگ نیز که مهم‌ترین رود هند به‌شمار می‌رود، دارای تقدسی است که غسل‌های مذهبی در کنار آن صورت می‌گیرد. (قرشی، ۱۳۸۰: ۲۲۹)

درخصوص مصریان باستان نیز چنین توصیف می‌کنند که جسد را با عطر و روغن تدهین و مومیایی می‌کردند، به‌علاوه تدارکات زیادی را برای وضعیت پس از زندگی فراهم می‌آوردند. (قربانی، ۱۳۹۶: در پایگاه اطلاع‌رسانی انسان‌شناسی و فرهنگ)

غسل میت در فرهنگ مردم

از آنجا که روح کلی فرهنگ ایران تحت تأثیر فرهنگ اسلامی قرار دارد، در فرهنگ‌های محلی ایران انجام آیینی غسل اموات در اشکال متعدد دیده می‌شود؛ به‌طوری که از بررسی لایه فرهنگی مرتبط با غسل در آیین‌های خاکسپاری، می‌توان از آیین‌ها، سنن و آدابی یاد کرد که در مناطق مختلف انجام می‌پذیرد.

مردم فندرسک استان گلستان پس از اطلاع از فوت یکی از اهالی، نزدیک خانه‌اش تجمع می‌کنند، سپس میت را از خانه به طرف غسلخانه می‌برند و پس از غسل و کفن، فرزندان و محارم با میت وداع می‌کنند و نماز میت را به جای می‌آورند (فروتن، ۱۳۹۰: ۳۱۲). در گنبدکاووس نیز بعد از فوت، همه مردان و زنان را از خانه بیرون می‌کنند، به‌جز محرمان متوفی که در خانه می‌مانند و به غسل و کفن میت می‌پردازند (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۰۵). در میان کردها وقتی یکی از مردان کرد فوت می‌شود، شیون و گریه می‌کنند و افراد خانواده مرده در یک‌جا جمع می‌شوند و زنان خوش‌آهنگ چریکه‌های

۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لاوزوک و سوارو^۱ سر می دهند و همه با هم صدا را با ریتم خاصی بلند می کنند، آنگاه مردانی که جوان هستند برای کندن قبر او به گورستان می روند و آخوند و مردم آب را گرم می کنند و مرده را غسل و شستشو می دهند و کفن می پوشانند (افندی بایزیدی، ۱۳۶۹: ۱۶۶). مؤلف کتاب تدفین مردگان در ایران در این باره می نویسد: «در قواعد مشایعت بود، که اول پسرها و خویشان مرده و پشت سر آنها اگر مرد بود، خویشان و دوستان و اگر زن بود شوهر و منسوبین دسته اول و فرزندان در آخر زنها، در حالی که از زیر چادر اشک می ریزند و به سر و سینه می کوبند، حرکت می کردند تا به غسلخانه برسند و مطابق جنسیت متوفی، در صورت ذکور، مردها و در حالت اناث، زنها با او داخل می شدند و به کار غسل و کفن او می پرداختند. مرده شو ابتدا لباس های متوفی را می کند و یکی از نزدیکان متوفی جلو می رفت و سطل اول آب را به رویش می ریخت و با گفتن «منم نترس» با این کار وحشت آب غسل را از او دور می کرد! سپس اجازه حمام می داد و غسل، میت را غسل می داد و او را کفن می پوشانید، کافور بر پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و پنجه های پاهایش (سجده گاه) می نهاد، مقداری روی سینه اش می پاشید و کفنش را محکم می کرد، پیشانی بندش را می بست، پاهایش را می پیچد و برای حمل در تابوتش می خوابانید». (قدیانی، ۱۳۸۸: ۲۵۳)

در خراسان، در غسلخانه، مرده شو میت را لخت می کند و روی سنگ تخته می گذارد و آماده شستشو و غسل دادن او می شود. اول بدن میت را با آب و صابون می شوید، بعد نیت می کند و می گوید: «غسل می دهم این میت حاضر را از برای پاکیزگی بدن و رضای خدا قریه الی الله». مردم داریون هنگام غسل نخستین آبی را که روی مرده ریخته می شود، «اوتلخی» می نامند (بذرافکن، ۱۳۸۹: ۱۵۹) و معمولاً میت را سه نوع غسل می دهند: یک غسل با آب سدر، یک غسل با آب کافور و یک غسل هم با آب خالص (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۱۷۹-۱۸۰؛ ماسه، ۱۳۸۷: ۱۴۱). و بعد او را حنوط می کنند و سرانجام وی را کفن می پوشانند و برای خواندن نماز و حمل به گورستان در تابوت می گذارند (رضایی،

۱. چریکه در زبان کردی به معنی آواز رسای دور، آواز گنجشک و شعر حماسی است و این دو چریکه از جمله سوگ آوازهایی است که به صورت گروهی در مرگ عزیزان خوانده می شود.

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۴۹

۱۳۸۱: ۵۰۱). البته سابق بر این در برخی روستاهای سمنان، مشکین شهر، رودبار الموت، میان اهالی ترکمن و حتی تهران قدیم، مرده را در خانه غسل می‌دادند (پناهی‌سمنانی، ۱۳۷۴: ۲۶۹؛ ساعدی، ۱۳۵۴: ۱۴۵؛ بهرامی، ۱۳۸۹: ۵۶؛ شریف‌کمالی و عسکری‌خانقاه، ۱۳۷۴: ۱۵۸؛ مستوفی؛ ۱۳۸۶: ۶۲۶/۳) و پس از تغسیل به مسجد می‌بردند (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۵۲۱). در اراک پس از شستن و غسل دادن، میت را با لنگ یا حوله خشک و حنوط می‌کردند (محتاط، ۱۳۶۸: ۳۳۰/۲). در لرستان پس از غسل و حنوط دو تکه چوب انجیر هم‌اندازه زیر بغل مرده می‌گذارند تا در شب اول قبر در مقابل نکیر و منکر برپا بایستد (شادابی، ۱۳۷۷: ۱۱۰). در برخی دهات بانه تنها هزینه کفن به عهده بازماندگان بود، ولی در شهر، هزینه غسل و تدفین را بازماندگان برعهده داشتند (توکلی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در ایبانه دو تابوت وجود داشته است، یکی از آن را زمانی که میت هنوز غسل نکرده استفاده می‌کردند و تابوت دیگر برای جسد غسل‌شده استفاده می‌شد (نظری‌داشلی‌برون و دیگران ۱۳۸۴: ۵۶۶). همچنین تنها مردگانی اجازه غسل‌شدن در غسلخانه‌های داخل روستا را داشتند که داخل روستا فوت کرده باشند. کسانی را که خارج از ایبانه فوت می‌کردند، در رودخانه چمه در محله هرده می‌شستند و بعد او را در گورستان هرده خاک می‌کردند (برومندی، ۱۳۸۵: ۲۰). در میبد قبل از لوله‌کشی، غسلخانه در مسیر قنات و به صورت پایاب ساخته شده بود. در یک گوشه سکوی سیمانی معروف به «تخت مرده‌شورخونه» و در وسط، حوض آب وجود داشت. آب را با سطل از حوض برمی‌داشتند و مرده را می‌شستند و برای آلوده‌نشدن آب قنات، غسلخانه چاه فاضلابی داشت که آب‌های استفاده شده در آن می‌ریخت. مرده را نخست با لیف و کیسه تمیز می‌شستند بعد یک بار با آب کافور و یک بار با سدر و در آخر با آب خالص غسل می‌دادند. در میبد بعد از غسل و کفن، مرده را در تابوت می‌گذارند و در فضای باز قرار می‌دهند تا بر او نماز میت بخوانند. (جانب‌اللهی، ۱۳۸۳: ۲۱۰)

علاوه بر این رسم‌ها، مردم کرد بر این عقیده‌اند که زمانی که بدن مرده را غسل می‌دهند، چندین بار چشم باز می‌کند و به کسانی که او را غسل می‌دهند می‌نگرد تا ببیند چه کسانی او را غسل می‌دهند (پرنیان، ۱۳۷۹: ۱۷۰). در کتاب شرایع‌الاسلام نیز آمده است، مستحب است که آب غسل میت را در چاه مخصوص به آن رها کنند و نه

۵۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در چاه فاضلاب (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۳۸/۱). البته غسل کردن مرده از نگاه سفرنامه‌نویسان دور نمانده و در برخی از سفرنامه‌ها به این مراسم اشاره شده است. (نک: کارری، ۱۳۴۸: ۱۵۰)

در آیین زرتشتی، مرده ناپاک است و با هر چه تماس پیدا کند چه آن چیز جاندار باشد و چه بی‌جان، همه را آلوده می‌کند و برای پاک و طاهر کردن این‌گونه اشیاء یا اشخاص آلوده، غسل‌هایی معمول است (نک: قدیانی، ۱۳۸۸: ۳۲۷). زرتشتیان میباید یزد، برای شستن مرده خود، دو نفر «پاک شو» را به کار می‌گرفتند. آنها برای شستن از آب گرم و سرد استفاده می‌کردند و با کیسه و صابون، بدن مرده را تمیز می‌شویند، بعد کفن می‌کنند و کستی به کمر او می‌بستند (جانب‌اللهی، ۱۳۸۳: ۲۱۶). در آداب دخمه‌گذاری پس از آنکه یک زرتشتی بدرود حیاط می‌گفت، با گمیز یا گومز (گیمین، ۱۳۸۱: ۱۴۸ و ۱۵۷-۱۵۸) و سپس آب شسته می‌شد (حیدری و مهرآفرین، ۱۳۹۴: ۵۷). البته امروز استعمال گمیز گاو در تطهیر کلاً منسوخ شده و در مواردی، مانند شستشوی جسد، به جای آن گلاب یا آب ساده به کار می‌برند. (نک: مزداپور، ۱۳۶۹: ۴۶)

در ادبیات مکتوب و شفاهی نیز که جزئی از فرهنگ مردم به شمار می‌رود، به آیین‌های غسل اشاره شده است. مثلاً آیین شستن و غسل دادن مردگان پیش از دخمه کردن برای اولین بار در داستان جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب به چشم می‌خورد (نک: مدبری و خدایاری، ۱۳۸۷: ۲۱۵-۲۱۶). یا این معما که در مورد غسل در ادبیات شفاهی مردم رایج است: «شخصی در حین خواندن نماز میت، به‌هنگام سجده، ناگهان سرش به لبه تابوت می‌خورد و پیشانی‌اش می‌شکند، به‌طوری که خون پیشانی او به کفن مرده غسل داده شده می‌خورد و آن را نجس می‌کند. حالا آیا باید مرده را دوباره غسل داد یا باید کفنش را عوض کرد و یا چاره‌ای دیگر اندیشید؟» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲). یا این باور میان اهالی خراسان که اگر زنی فقط یک شکم زاییده باشد و دیگر حامله نشود، می‌گویند «چله رویش افتاده» و اندکی آب غسل مرده به او می‌خورانند یا او را از زیر سنگ «غسل خنه» رد می‌کنند. (شکورزاده، ۱۳۸۰: ۹۶)

تغییرات فرهنگی در انجام غسل و آیین خاکسپاری

در گذشته نه چندان دور بدن متوفی در نظام فرهنگی شهری در ایران، همانند روستاها، به سمت گورستان رهسپار و آداب تطهیر، تکفین، نماز و آیین خاکسپاری انجام می‌شد. باید توجه داشت که براساس اصول فقهی و دینی در اسلام، سلسله‌مراتب انجام آیین مرگ از زمان تبدیل بدن به جسد تا زمان خاکسپاری در دوران معاصر تغییری نکرده است. اما چگونگی انجام آنها و نوع ارتباط بازماندگان با جسد، به نسبت فضای شهری و فرهنگی، تغییرات اساسی به خود دیده است (قربانی، ۱۳۹۴). تغییراتی که پس از انتقال جسد و آغاز انجام آیین غسل میت و از همان لحظات ابتدایی مناسک قابل مشاهده است.

لازم است پیش از بیان این تغییرات، آیین‌های مرگ را در سه شهر اصفهان، شیراز و تهران با فرهنگ روستایی مقایسه کنیم. این مشاهده و مطالعه میدانی که از سوی هاجر قربانی انجام شده است، تغییرات مناسکی آیین‌های مرگ را به خوبی نشان می‌دهد. «شهر اصفهان، از شهرهایی است که به نظر می‌رسد کمتر دچار دست‌خوردگی‌های فرهنگی شده است و نظام سنتی خود را نسبت به دیگر شهرها بیشتر حفظ کرده است. بازماندگان، جسد را پس از اخذ گواهی فوت از پزشکی قانونی برای انجام آیین خاکسپاری آماده می‌کنند و درب منزل متوفی با یک پارچه مشکی نشانه‌گذاری می‌شود. صدای صوت قرآن و حضور نزدیکان و آشنایان از بدیهی‌ترین رویدادهای برگزاری این آیین و مناسک است. گاهی مشاهده می‌شود که جسد از پزشکی قانونی به سردخانه گورستان انتقال داده نمی‌شود، بلکه به محل سکونت فرد متوفی بازگردانده و انجام آیین شست‌وشو و تطهیر توسط خود بازماندگان صورت می‌گیرد و سوگواری در کنار جسد ادامه دارد. بدن متوفی تکفین و سپس سوگواری‌ها در اتاقی با پوشاندن یک پارچه ترمه بر روی جسد تکفین شده، قرار دادن گل، کتاب قرآن و عود در کنار آن ادامه می‌یابد. برخی نزدیکان تا صبح بر بالای جسد می‌نشینند و قرآن تلاوت می‌کنند. صبح روز بعد، جسد را به محل خاکسپاری که از قبل تعیین شده است، می‌برند و نماز میت توسط فردی که در میان اطرافیان انسان متدینی است برپا و خاکسپاری و مناسک تلقین برگزار

۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌شود. پس از انجام مراسم، همگی به سمت تالار، رستوران و گاه‌خانه روانه می‌شوند و پس از صرف ناهار و عرض تسلیت دوباره و آرزوی عمر طولانی برای بازماندگان و آرامش روح متوفی محیط را ترک می‌کنند. این حضور مقطعی هم بیشتر به جهت احترام به حال بازماندگان اصلی، استراحت کوتاه آنها و تجدید نیرو در تحمل غم ازدست دادن عزیزشان و میزبانی آن دسته از افرادی است که سعی دارند با حضورشان از درد و تألم نزدیکان متوفی بکاهند. در گذار این مناسک مشاهده می‌شود که سوگواری بازماندگان در کنار جسد از ابتدای رویداد مرگ شکل می‌گیرد و در تمامی لحظات جسد را همراهی می‌کنند.

در شهر شیراز نیز، پس از اعلام فوت و انجام آنچه در مدل فرهنگی شهر اصفهان به آن اشاره شد، جسد راهی محل انجام آیین تطهیر می‌شود. یک فرد از پیش تعیین شده به نام غسل، که اکنون در فرهنگ واژه‌ای مرگ در ایران تطهیرکننده نامیده می‌شود، در آن مکان موظف به شست‌وشوست. اگر جسد زن باشد، بازماندگان زن بسته به نزدیکی افراد به او وارد تطهیرخانه می‌شوند و به تطهیرکننده کمک می‌کنند تا جسد آماده تکفین شود و همزمان نیز سوگواری توسط بازماندگان و در کنار او (جسد) شکل می‌گیرد. اگر جسد مرد باشد، طبیعتاً، بازماندگان مرد این آیین را انجام می‌دهند.

در نظام شهری کلانشهر تهران نیز به واسطه گستردگی فضایی و جمعیت بالا نسبت به دیگر شهرها میانگین مرگ و مردن بسیار بالا، یعنی روزی ۱۶۲ نفر است. به نظر می‌رسد که از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای انجام مناسک مرتبط با مرگ ایجاد یک سازمان بوده است تا بتواند این تعداد جسد را با همراهی سوگواران در زمان خاکسپاری و با تکریم مورد پذیرش قرار دهد. وجود سازمان یعنی حضور یک نظام بروکراتیک‌شده و منسجم در جهت تسریع برگزاری آیین‌ها که تقسیم کار از اصولی‌ترین قواعد در این نظام است. تطهیرکننده، روحانی، مداح و خاکسپار در کنار عضو جدید دیگری با نام مباشر که وظایف انجام صفر تا صد اجرای مناسک و آیین‌های مرگ، از زمان فوت تا اتمام خاکسپاری را به عهده دارد، از نمونه اصلی این تقسیم کار در سازمان بروکراتیک‌شده گورستان بهشت زهرا هستند.

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۵۳

براین اساس، از زمان وقوع مرگ و ورود آن به محیط بهشت‌زهرا، جسد از بازماندگان جدا می‌شود و برای انجام مناسک شست‌وشو، تطهیر و تکفین وارد محیط تطهیرخانه می‌شود. تطهیرخانه بهشت‌زهرای تهران ورود وابستگان به محل انجام مناسک تدفین را ممنوع کرده است و تنها یک دیوار شیشه‌ای، که حائل تطهیرکنندگان جسد و بازماندگان است، این فرصت را به آنها می‌دهد که برای آخرین بار عزیز ازدست‌رفته خود را ببینند و او را تا آخرین لحظات همراهی کنند. از این رو به علت تغییرات به وجود آمده در این مکان دیگر فرصت همراهی جسد توسط بازماندگان وجود ندارد. به عبارتی ارتباط میان جسد تا زمان خاکسپاری به صورت مداوم قطع می‌شود و موجب شده است که در روند و نوع سوگواری نیز تأثیر بسزایی داشته باشد.

اما در نظام فرهنگی روستاها، یعنی فضایی که مدرنیته شهری به صورت جدی در آن نفوذی نکرده است، صرفاً خود بازماندگان موظف به انجام این آیین هستند. جسد را بدون فوت وقت، خودشان، در مکانی مقدّس همچون امامزاده یا مسجد، شست‌وشو می‌دهند و تطهیر می‌کنند و سوگواری نیز در کنار جسد ادامه می‌یابد. به عبارتی، بازماندگان نه تنها آیین‌ها و مناسکی را که برای نمونه در مدل نظام شهری اصفهان بیان شد، انجام می‌دهند، بلکه سوگواری در تمام زمان انجام مناسک آماده کردن جسد برای خاکسپاری بدون وقفه و در یک نظم بی‌وقفه و با اوج و حضیض در روند سوگواری ادامه دارد. همچنین پس از اتمام مراسم نیز به خانه متوفی می‌روند، ناهاری را که در منزل توسط نزدیکان و اطرافیان خانواده متوفی آماده شده است، صرف و بستگان فرد از دست رفته را در سوگواری همراهی می‌کنند. گاه مشاهده شده است که حضور اطرافیان تا سومین و حتی هفتمین روز پس از خاکسپاری ادامه دارد. از این رو مطالعه و مقایسه مناسک در روستاها و حتی شهرهای ذکر شده با آنچه اکنون در کلانشهر تهران برگزار می‌شود، بسیار متفاوت است.» (قربانی، ۱۳۹۴، پایگاه اطلاع‌رسانی انسان‌شناسی و فرهنگ)

۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بازتعریف امور مربوط به مرگ

در سال‌های اخیر کوشش‌های فراوانی در درک تمدنی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی مرگ در ایران شده است. سازمان بهشت زهرا (س) در مدیریت جدید خود، با استفاده صحیح از سیاست نامگذاری، نام گورستان را به آرامستان تغییر داده است؛ چرا که گورستان معنایی چندان خوشایند در زبان فارسی ندارد (نک: خال، ۱۳۶۲). از سوی دیگر این سازمان با ایجاد سنت‌های جدید و مدنی، گام‌هایی در بازتعریف مرگ و امور مربوط به آن برداشته است (همان)، در حالی که چون جوامع دیگر، مرگ در ایران در چشم‌انداز مدرن خود تعریفی پزشکی یافته و در دوسویه سنتی آن نیز، معنایی فرهنگ‌عامه‌ای دارد. در این مسیر فعالیت‌های چند ساله اخیر سازمان بهشت‌زهرا، تجربه‌ای موفق از بازتعریف دینی/عرفانی و مدنی مرگ و امور مربوط به آن را با ساخت مفاهیمی چون عروجیان و ابداع و بازتعریف سنت‌ها و آیین‌های مرگ ارائه می‌دهد. (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴ و مقدمه)

همچنین سازمان بهشت‌زهرا با برنامه‌ریزی و به منظور ترفیع منزلت شغلی و اجتماعی کارکنان ویژه مجتمع عروجیان، تغییر نام‌هایی را صورت داده است. برای مثال سالن متوفیات به «مجتمع عروجیان» نامگذاری شده یا مهم‌ترین بخش این مجتمع که محل غسل‌خانه است، به «تطهیرخانه» تغییر نام داده است. «تطهیرکننده» نیز نام دیگر غسل است که سابقاً به آن مرده‌شور می‌گفتند و نیز «خاکسپار» نام جدیدی است که پیشتر به آن گورکن گفته می‌شد. از این رو نامگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده می‌تواند الگویی مناسب و کارآمد برای دیگر مناطق فرهنگی ایران باشد.

جمع‌بندی

آیین‌های مرگ، جلوه‌های فرهنگی زندگی انسان را در طی تاریخ آشکار می‌سازند. از آنجا که انسان همواره در برابر پدیده‌ای به نام مرگ قرار داشته است، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن هم از قدیمی‌ترین، باورها و آیین‌های انسان بر روی کره خاکی به شمار می‌آیند.

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۵۵

دفن اموات و مراحل آن، در هر جامعه و دین، مناسک خاص خود را دارد. این مناسک در بعضی ادیان و در فرهنگ برخی جوامع به صورت متفاوتی اجرا می‌شود که ناشی از آموزه‌های دینی و هنجارهای حاکم بر آن جامعه است. از این روست که مراسم تغسیل، تطهیر و تدفین در روستاها کمی متفاوت‌تر از شهرها برگزار می‌شود. با این حال، با وجود آنکه مرگ در جامعه ایرانی معنای فرهنگ‌عامه‌ای دارد، در چشم‌انداز امروزی خود تعریفی پزشکی یافته و سازمان بهشت‌زهرها در مسیر چند ساله خود به بازتعریف دینی و مدنی مربوط به مرگ و امور آن پرداخته است و مفاهیمی چون آرامستان، عروجیان، تطهیرکننده، خاکسپار و... را جایگزین نام‌های قبلی ساخته است که پیشنهاد می‌شود در بیان شفاهی یا در متون نوشتاری گویندگان و نویسندگان رسانه نیز مورد استفاده قرار گیرد.

از این‌رو، امروزه، بویژه در کلانشهر تهران گورستان و اعمال مربوط به تدفین که پیشتر در یک نظام و الگوی ساده و توسط افراد خانواده یا گروهی از افراد وابسته به متوفی اداره می‌شد، تحت تأثیر مدرنیته شهری در قالب یک ساختار نهادی و اداری شکل یافته است. ضمن آنکه نامگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده می‌تواند الگویی مناسب و کارآمد برای دیگر مناطق فرهنگی ایران باشد.

منابع

- قرآن مجید
- اپستاین، ایزیدور (۱۳۵۸). *یهودیت*. ترجمه: بهزاد سالکی. تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- افندی‌بایزیدی، محمود (۱۳۶۹). *آداب و رسوم کردن*. به اهتمام الکساندر ژابا. ترجمه و تعلیق و ضمایم: عزیز محمدپور داشبندی. بی‌جا: نشر میعاد.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). *مقدس و نامقدس*. ترجمه نصرالله زنگوئی. تهران: انتشارات سروش.
- انسان، نیلوفر (۱۳۹۰). *بررسی نظام نمادین مرگ در قبرستان بهشت‌زهرای تهران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبانشناسی دانشگاه علم و فرهنگ.

۵۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). دانشنامه اوستا. تهران: شرکت نشر مرکز.
- بحرانی، یوسف (۱۳۶۴). الحدائق الناضرة. قم: جماعه المدرسين في الحوزه العلميه.
- بذرافکن، جلال (۱۳۸۹). فرهنگ مردم داریون. شیراز: انتشارات آوند اندیشه.
- برومندی، بهرخ (۱۳۸۵). بررسی جامع دره برزرو. محدوده روستاهای ایبانه، طره، برز، کمیجان، یارند، هنجن (گزارش شماره ۳)، طرح تکمیلی عرصه و حریم روستای تاریخی ایبانه، طرح پژوهشی اجرا شده در پایگاه میراث فرهنگی ایبانه (چاپ نشده).
- بهرامی، فرشته (۱۳۸۹). آیین‌ها و باورهای امامزاده‌های رودبار الموت غربی. تهران: آموت.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۹). آثارالباقیه. ترجمه. اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹). ترکمن‌های ایران. تهران: پاسارگاد.
- پادشاه، محمد (۱۳۳۶). فرهنگ آندراج. تهران: کتابخانه خیام.
- پرنیان، موسی (۱۳۷۹). فرهنگ عامه کرد. کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.
- پناهی سمنانی، احمد (۱۳۷۴). آداب و رسوم مردم سمنان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- توکلی، محمدرئوف (۱۳۸۷). جغرافیا و تاریخ بانه کردستان. تهران: انتشارات توکلی.
- جانب‌اللهی، محمدسعید (۱۳۸۳). چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد (دفتر ششم). تهران: روشنان.
- چندبهار، لاله‌تیک (۱۳۷۹). بهار عجم. تصحیح کاظم دزفولیان. تهران: انتشارات طلایه.
- حسن‌زاده، علیرضا (به کوشش) (۱۳۹۴). «مقدمه»، مردم‌شناسی مرگ. تهران: سازمان میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری. پژوهشکده مردم‌شناسی.
- حیدری، ملیکا؛ مهرآفرین، رضا (۱۳۹۴). یشت و خشت. تهران: فروهر.
- خال، سعید (۱۳۹۲). فرهنگ لغات و اصطلاحات رایج در آرامستان‌ها. تهران: واحد آموزش و تحقیقات بهشت‌زهره.
- دکره، فرانسوا (۱۳۸۰). مانی و سنت مانوی. ترجمه: عباس باقری. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۵۷

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذاکری، ناهید (۱۳۸۲). «نیایش با آب». کتاب ماه هنر. شماره ۵۷ و ۵۸. شماره خرداد و تیر. صص ۱۵۵ - ۱۵۰.
- رضایی، جمال (۱۳۸۱). بیرجندنامه. تهران: هیرمند.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۶). حمام عمومی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- زمردی، حمیرا (۱۳۸۲). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی. خمسه نظامی و منطق الطیر. نشر زوار.
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۵۴). خیابو یا مشکین شهر. تهران: امیرکبیر.
- سنندجی، میرزا شکرالله (۱۳۶۶). تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تهران: امیرکبیر.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۵ق). توضیح المسائل. قم: مهر.
- شادابی، سعید (۱۳۷۷). فرهنگ مردم لرستان. انتشارات افلاک.
- شریف کمالی، محمد؛ عسکری خانقاه، اصغر (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن. ناشر: اساطیر.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۸۰). دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها. مشهد: آستان قدس رضوی. شرکت به نشر.
- _____ (۱۳۴۶). عقاید و رسوم مردم خراسان. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- طباطبایی حکیم (۱۴۱۶ق - ۱۳۷۴). مستمسک العروه. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۳۷ق). العروه الوثقی. برگردان: شیخ عباس قمی. بیروت.
- طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. مکتب المرتضویه.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۸۳). تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندایی ایران. تهران: نشر افکار.
- فروتن، اشکان (۱۳۹۰). فندرسک: تاریخ، سرزمین، فرهنگ. تهران: نشر رسانش.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۱). «حمام، وداع با خزینه». روزنامه شرق. سه‌شنبه ۲۳ خرداد. صفحه ۲۰.

۵۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- قدیانی، عباس (۱۳۸۸). تدفین مردگان در ایران از دوره باستان تا پایان قاجاریه. تهران: انتشارات آرون.
- قرشی، امان‌الله (۱۳۸۰). آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی. تهران: نشر هرمس.
- کارری، جملی (۱۳۴۸). سفرنامه کارری. ترجمه عبای نخجوانی و عبدالعلی کاررنگ. بی‌جا: ناشر اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۴۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: ابن‌سینا. کریمیان‌سردشتی، نادر (۱۳۸۲). کتاب‌شناسی حمام. تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی.
- گیمن، دوشن (۱۳۸۱). دین ایران باستان. ترجمه رؤیا منجم. تهران: علم.
- لوگاشوا، بی‌بی‌رابعه (۱۳۵۹). ترکمن‌های ایران. مترجمان: سیروس ایزدی و حسین تحویلی. تهران: شباهنگ.
- ماسه، هانری (۱۳۸۷). معتقدات و آداب ایرانی. مترجم: مهدی روشن‌ضمیر. تهران: شفیع.
- مجلسی، ملامحمدباقر (۱۳۸۹). حلیه‌المتقین. تهران: چاپ طاهری.
- محتاط، محمدرضا (۱۳۶۸). سیمای اراک. انتشارات آگه.
- محقق‌حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق). شرایع‌الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: امیری.
- مدبری، محمود؛ خدایاری، خدیجه (۱۳۸۷). «اهمیت، تقدس و تطهیر معنوی با آب در شاهنامه»، مجله مطالعات ایرانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال هفتم. شماره ۱۴. پاییز. صص ۲۱۹ - ۲۰۷.
- مزدپور، کتایون (۱۳۶۹). شایست‌ناشایست. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). شرح زندگانی من. تهران: زوار.
- مشهدی‌نوش‌آبادی، محمد؛ رجبی‌گوندره، عباس (۱۳۹۲). «آیین‌های طهارت در دین زردشتی»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران. دانشگاه الزهراء، سال ۲۳. دوره جدید. شماره ۱۸. تابستان. صص ۸۷ - ۶۹.

آداب غسل اموات در فرهنگ مردم؛ از گذشته تا حال ❖ ۵۹

- ناطق، ناصح (۱۳۵۷). *بحثی درباره زندگی مانی و پیام او*. تهران: امیرکبیر.
- نحوی، سیدمحمد (۱۳۶۸). *فرهنگ دخیل نامواژه‌های عربی در فارسی*. تهران: انتشارات اسلامی.
- نژاداکبری مهربان، مریم (۱۳۸۷). *شاهنشاهی ساسانیان*. تهران: پارسه.
- نظری داشلی برون، زلیخا؛ حاجی علیمحمدی، هما؛ رهو روشنک؛ تراب‌زاده، عباس (۱۳۸۴). *مردم‌شناسی روستای ایبانه*. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). *فرهنگ نفیسی*. کتابفروشی خیام.
- *وندیداد* (۱۳۸۵). *جلد اول فرگرد ۸ - ۱*. ترجمه و پژوهش: هاشم رضی. انتشارات بهجت.
- هاشمی، سید علیرضا (۱۳۹۰). *چیستان مقبول دیروز مغفول امروز*. انتشارات سروش.
- هاکس، جیمز (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*. تهران: اساطیر.
- همدانی، رضا بن محمدهادی (۱۳۷۶). *مصباح‌الفقیه*. قم: الموسسه الجعفریه لاحیاء التراث.
- یوسفی، جعفر (۱۳۹۱). *قوم کرد*. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- یوسفی، عثمان (۱۳۹۱). *تاریخ و حیات اجتماعی - فرهنگی کردهای ایزدی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- Cooke, S.M., (1980), Purification (Hebrew), **Encyclopedia of Religion and ethics**. JamesHostings(ed), New York: University of Chicago Press, pp:10/489-490
- Bakhtin, Mikhail(1984): **Rabelais and His World**, TRANSLATED BY Helene Isowolsky. USA: Indiana University Press.

❖ ۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تارنمای مجازی

- قربانی، هاجر، «دانشنامه مرگ و مردن» پایگاه اطلاع‌رسانی انسان‌شناسی و فرهنگ. مشاهده شده در تاریخ ۹۶/۳/۱۵ به آدرس:

<http://anthropology.ir/article/30621.html>

- ویکی‌شبعه. «مدخل غسل». مشاهده شده در تاریخ ۹۶/۳/۱۰ به نشانی:

[/http://fa.wikishia.net/view/غسل](http://fa.wikishia.net/view/غسل)

فرهنگ
مردم
ایران

شماره ۵۰ و ۵۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۶

